

شناسایی موانع استفاده از اماکن عمومی آموزشی و فرهنگی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ی زنان شهر شیراز)

صدیقه البرزی^۱، روح اله مظفری^۲

چکیده

امکانات آموزشی و فرهنگی در شهرها یکی از مهمترین عوامل موثر بر ارتقا سطح فرهنگ و دانش انسانهاست. از سوی دیگر با توجه به نقش زنان در جامعه و شرایط خاص فرهنگی جامعه ما مطالعه جامعه شناختی زنان در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است. مطالعه حاضر به این موضوع پرداخته و موانع استفاده از اماکن عمومی آموزشی - فرهنگی (سینما، کتابخانه، موزه، فرهنگسرا، نگارخانه و آمفی تئاتر) و عوامل مرتبط با آن را مورد بررسی قرار داده است. جامعه آماری تمامی زنان شهر شیراز بوده و داده ها از ۶۰۰ نفر از آنها با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شد. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی است که به طور متوسط از این اماکن استفاده می کنند که این تعداد برابر ۲۰۹ نفر (۳۴/۸ درصد) می- باشد. همچنین کمترین فراوانی متعلق به بانوانی است که خیلی زیاد از این اماکن استفاده می کنند که ۳۱ نفر (۵/۲ درصد) از آنها را دربر می گیرد. بررسی میانگین رتبه ها نشان داد که در بین این مکان ها، سینما، کتابخانه، موزه، فرهنگسرا، نگارخانه و آمفی تئاتر به ترتیب اولویت قرار دارند. یافته های دیگر مطالعه حاضر نشان داد که موانع امکاناتی - اقتصادی با میانگین ۳/۳ بالاترین اولویت را داشته و پس از آن موانع فرهنگی و خانوادگی در اولویت دوم و در یک سطح از اولویت قرار گرفته اند و در آخر، موانع شخصی و عقیدتی، اولویت سوم را به خود اختصاص داده اند.

واژگان کلیدی: مشارکت، فضاهای شهری، اماکن عمومی، زنان، شیراز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه شیراز. Alborzi254@gmail.com - (نویسنده مسؤل)

^۲ کارشناس پژوهش و افکارسنجی مدیریت روابط عمومی و بین الملل شهرداری شیراز.

مقدمه

یکی از نیازهای اساسی در جوامع شهری نیازهای آموزشی فرهنگی است. چرا که همگام با توسعه و پیشرفت شهرها در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضرورت توجه به نیازهای گذران اوقات فراغت شهروندان بیشتر احساس می‌گردد. یکی از مسائل بسیار مهم در زندگی انسان‌ها، اوقات فراغت است. به جرات می‌توان گفت چگونگی گذران اوقات بیکاری و اختصاص دادن زمانی خاص به شکل درست و منطقی به این اوقات می‌تواند در جای خود باعث رشد و ارتقای تک تک افراد در زندگی شخصی و اجتماعی شود، به شرطی که اشخاص تعریف درستی از این اوقات داشته باشند: فراغت به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که شخص به میل خود، برای استراحت، تفریح، گسترش اطلاعات و آموزش شخصی، مشارکت آزاد اجتماعی و کاربرد توان خویش در خلاقیت، در زمانی فارغ از تعهدات شغلی، خانوادگی و اجتماعی انجام می‌دهد (سعیدنیا، ۱۳۷۹). اوقات فراغت به عنوان نمایی از سبک زندگی، مقوله‌ای است که افراد با آرامش و اختیار می‌توانند علایق و تمایلات خود را به کار گیرند و فرصتی است تا ایشان ارزش‌ها و نگرش‌های نهان خود را تعیین بخشیده، قدرت و مقاومت در عرصه زندگی را به نمایش بگذارند. بهره‌وری از اوقات فراغت بعنوان مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد با رضایت خاطر برای استراحت یا تفریح و یا به منظور توسعه آگاهی یا فراگیری غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد، می‌تواند عاملی در ایجاد آرامش و لذت در زندگی به شمار آید و از طرفی زمینه رشد و بالندگی در افراد را نیز فراهم آورد. لازم به ذکر است که اوقات فراغت با تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارد به گونه‌ای که گسترش مفاهیم نوینی مانند حقوق شهروندی، آزادی‌های فردی، برابری جنسیتی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی موجب سوق دادن افراد برای دستیابی به حقوق برابر و فرصت‌های مساوی در بهره‌مندی از خدمات و شاخص‌های کیفیت زندگی شده است (پورموسوی، ۱۳۹۰: ۱۶).

یکی از مباحث مهم در حوزه اوقات فراغت، اوقات فراغت زنان است. نظر به ارزش والای زن در جامعه و با توجه به اینکه زنان نیمی از جامعه را تشکیل داده و محور خانواده به شمار می‌آیند، لذا باید از نظر روحی و جسمی از شادابی و سلامت برخوردار باشند. اوقات فراغت طرقی است که به زنان کمک می‌کند تا ضمن شرکت در فعالیتهای فراغتی، وظایف مادری و همسری را بهتر انجام داده و فرزندان بهتری را تربیت کنند و نسل سالم تری را به جامعه تحویل دهند.

یکی از تقسیمات اجتماعی که به ناهمگونی و نابرابری در فراغت منتهی می‌شود، جنسیت است. یعنی نوعی ساختار که به استنباط جامعه از رفتار، ویژگیها و نقشهای مناسب برای مردان و زنان مربوط می‌شود. از سه عامل کلیدی در اوقات فراغت که عبارتند از: زمان، فضا و فعالیت، زنان در هر سه مورد در وضعیت نامساعدی قرار دارند. (فکوهی، ۱۳۸۲). اغلب فعالیتهای زنان بر خلاف مردان، خانه محور است و شمار موسسات و فضاهای فراغتی عمومی زنان نیز بسیار کمتر از مردان است. پر کردن اوقات فراغت با ایجاد و فراهم نمودن فضاهای تفریحی، ورزشی، آموزشی و فرهنگی برای افراد جامعه و به ویژه زنان به منظور کاهش فشارهای ناشی از زندگی صنعتی، مدرن و پیچیده امروزی یکی از مهمترین امور است که متأسفانه در ارتباط با زنان، شاهد ضعفها و نواقصی در این زمینه هستیم. هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی فضاهای تفریحی، ورزشی، آموزشی و فرهنگی برای استفاده زنان از این فضاها از سطح مطلوبی برخوردار نیست. در این میان امکانات آموزشی فرهنگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. فرهنگ و ارزشهای خاص جامعه به همراه انتظاراتی که از زن در چارچوب خانواده و رسیدگی به امور خانه وجود دارد خود به عنوان مانعی بزرگ در این مسیر می‌باشد.

به هر صورت مشاهده می‌شود که این قشر از جامعه آنگونه که باید از این اماکن بهره نمی‌برند و موانع و مشکلاتی از قبیل مشکلات شخصی، خانوادگی، امکاناتی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر سر راه آنان وجود دارد و در نتیجه این موانع، فعالیتهای آموزشی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی زنان کاهش یافته که این خود می‌تواند زنگ خطری برای سلامت جسمانی و روانی این افراد و در نهایت جامعه باشد. در بررسی میزان استفاده زنان از امکانات ورزشی تفریحی در زمان فراغت، نتایج یکپژوهش نشان می‌دهد عواملی که مانع مشارکت زنان در ورزش می‌شود یا آن را محدود میکند، عبارتند از: عدم دسترسی به امکانات ورزشی، مناسب نبودن زمان برنامه ها، گرانیهزینه ثبت نام، نداشتن وقت و مخالفت خانواده. پژوهشها نشان می‌دهند که مسئولیتزنان در منزل، بیش از ساعات کار ایشان در خارج از منزل، وقت آنها را می‌گیرد بهطوری که این زنان هیچ زمانی را برای خود و شرکت در فعالیت های مورد علاقه شان نمی‌یابند.

در ایران زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و این در صورتی است که نگاه و برخورد زنان به موضوع سرگرمی و اوقات فراغتشان متفاوت است. گروهی از آنها سرگرمی را نمی‌شناسند و درباره‌اش فکر هم نکرده‌اند و غالب آنان علت بی‌توجهی خود را به این موضوع بیشتر مشغله‌ها و گرفتاری‌های فراوان زندگی و مشکلات اقتصادی ذکر می‌کنند. تاکنون درباره پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان حرف‌های زیاد زده شده‌است، اما در این میان اوقات فراغت زنان با تأکید بر استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی، مساله‌ای مهم و درخور توجه است. زنان پایه‌های اصلی شکل-گیری یک خانواده سالم هستند و نقش انکارناپذیر در حفظ سلامت روان‌بقيه افراد خانواده را دارند. از این نظر بسیاری از زنان، خارج از زمان مربوط به‌شغل خود یا انجام کارهای خانه، یا فراغتی اندک و تکه تکه دارند یا فراغت کامل‌دارند، اما آن را در تنهایی و بدون داشتن برنامه‌ای از پیش اندیشیده شده می‌گذرانند. از سوی دیگر جایگاه زنان در جامعه، محدودیت آنها در دسترسی به امکانات، انتظارات اجتماع در مورد زندگی زنان و نقش‌های چندگانه‌ای که آنها در زندگی خانوادگی خود دارند سبب شده است تا آزادی عمل زنان کاهش یابد و انتخاب‌های آنها محدود یا با مانع مواجه شود. در مجموع به نظر می‌رسد میان عوامل موجود در عرصه زندگی خصوصی زنان از یک سو و عوامل اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر با گذراناوقات فراغت زنان، چه از لحاظ میزان اوقات فراغت و چه به لحاظ گذران اوقات فراغت در درون یا بیرون از خانه، میزان پرداختن زنان به فعالیت‌های اوقات فراغت و رضایتمندی‌آنان از گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد. امروزه یکی از مهم‌ترین مشکلات در شهرها به ویژه کلان‌شهرها استقرار نامناسب فضاهای آموزشی فرهنگی، ورزشی و تفریحی می‌باشد. به نحوی که بسیاری از افراد جامعه به علت عدم دسترسی به آنها نمی‌توانند از این امکانات به صورت مطلوب استفاده نمایند (حسنی، ۱۳۸۷).

بنابراین با توجه به اهمیت و نقش مطالعات علمی برای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دقیق، انجام تحقیقات متعدد در این زمینه بسیار ضروری می‌نماید. مطالعه حاضر نیز اماکن آموزشی فرهنگی را مدنظر قرار داده است تا مسئولین امر با توجه به یافته‌های پژوهش، شرایط و زمینه‌های لازم را برای حضور بیشتر و فعالانه زنان در عرصه بهره‌گیری از امکانات آموزشی - فرهنگی و رساندن زنان جامعه به سطح مطلوبی از آموزش و فرهنگ فراهم سازند.

مطالعات پیشین

متأسفانه در ایران مطالعات بسیار اندکی در زمینه اوقات فراغت و به ویژه استفاده از اماکن آموزشی و فرهنگی انجام گرفته و در این میان تحقیقات در این باره با تأکید بر زنان بسیار کمتر به چشم می‌

خورد و خلا تحقیقات اجتماعی در این حوزه بسیار چشمگیر است. بنابراین مطالعات پیشین ذکر شده در این بخش ارتباط غیرمستقیمتری با موضوع مورد بررسی در مطالعه حاضر دارد.

اسماعیلی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان "سنجش نیازهای فرهنگی شهروندان ساکن شهر اصفهان" تحقیقات وسیعی انجام داد. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که در گروه‌بندی نیازهای فرهنگی شهر اصفهان نیازهای آموزشی ۲۳/۲ درصد، نیازهای تفریحی ۲۲/۶ درصد، نیازهای ورزشی ۱۲/۵ درصد، نیازهای هنری ۱۱/۲ درصد، نیازهای رسانه‌ای ۱۰/۴ درصد، نیازهای اجتماعی ۹/۴ درصد، نیازهای مذهبی ۱/۶ درصد، نیازهای انسانی و مدیریتی ۱/۱ درصد، و سایر نیازها ۰/۸ درصد به دست آمده است. در مبحث نیازهای فرهنگی در مجموع ۱۷۹ مورد با تفاوت‌های جزئی یا کلی نسبت به یکدیگر به عنوان نیازهای فرهنگی شهر اصفهان از طرف پاسخگویان مطرح شده است.

مشکل‌گشا (۱۳۸۸) در پژوهش خود به بررسی موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه پرداخته است. جامعه آماری پژوهش او را زنان شهر اصفهان تشکیل می‌دهند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه انگیزه ورزشی، پرسشنامه موانع و پرسشنامه مشارکت ورزشی استفاده شده است. نتایج تحقیقات او نشان می‌دهد که مشکلات فردی/ روانی و نداشتن دسترسی به امکانات مسئول ۲۱ درصد واریانس بی‌انگیزگی بوده است. نداشتن علاقه، ناآگاهی و نداشتن دسترسی مسئول ۱۷ درصد واریانس انگیزه بیرونی بوده و نداشتن علاقه نیز مسئول ۱۲ درصد واریانس انگیزه درونی می‌باشد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که موانع درون فردی (نداشتن علاقه، ناآگاهی، مشکلات فردی/ روانی) با انگیزه فرد رابطه دارند و از آن طریق می‌توانند بر میزان مشارکت فرد اثر بگذارند.

مرادی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی "نیاز سنجی توسعه فضای فرهنگی شهروندان نجف آباد" پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که تعداد فضاهای فرهنگی موجود شهر نجف آباد در سطح خطای ۵ درصد کمتر از سطح متوسط پاسخگوی نیاز شهروندان بوده و از لحاظ آمایش بیش از نیمی از این فضاها در بخش مرکزی قرار دارند. از نظر نخبگان فرهنگی نیازهای آموزشی و پرورشی و فرهنگسرا در اولویت اول قرار داشتند، برای کودکان شهربازی مهمترین مکان بود و به طور کلی از نظر شهروندان مهمترین نیازهای فرهنگی، نیاز آموزشی و پژوهشی و نیاز تفریحی و فضاهایی همچون پارک، زمین ورزش، تفرج‌گاه و کتابخانه مهمترین فضاها بوده است.

ابراهیمی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان اوقات فراغت و عوامل اجتماعی موثر بر آن که با استفاده از پرسشنامه بر روی جامعه آماری افراد ساکن شهرستان جویبارانجام شده، بیان می‌دارد که متغیرهای سن، جنس، وضعیت تاهل و پایگاه اجتماعی-اقتصادی براوقات فراغت موثرند، درحالی که

متغیرهای درآمد و محل سکونت دارای تاثیر معناداری بر اوقات فراغت نیستند. پریتولوتی (۲۰۰۱)، بررسی فرصتهای انحراف در اوقات فراغت نوجوانان فرانسوی را انجام دادند. نتایج بایک نمونه ۱۲ هزار و ۵۱۲ نفری از نوجوانان ۱۸ ساله فرانسوی با استفاده از یک پرسشنامه خود اجراء و با هدف بررسی فرصتهای انحراف در اوقات فراغت نوجوانان نشان داد که فعالیتهای فراغتی به طور قوی با میزان استفاده از مواد مخدر رابطه دارند. استفاده تصادفی از مواد مخدر بیشتر بین پاسخگویانی رواج داشت که در برخی از فعالیتهای خارج از منزل شرکت کرده بودند و استفاده منظم با شیوهایی از زندگی فرد که بیشتر انتخابی بوده است، رابطه داشته و بیشتر در تفریحات هدفدار مانند موسیقی و میهمانیهای دوستانه متمرکز بوده است (به نقل از پورموسوی، ۱۳۹۰).

ونسون و رزاموند (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان "تاثیر بازنشستگی بر فعالیت های جسمی اوقات فراغت" به بررسی نیازهای فرهنگی - تفریحی شهروندان ۴۵ تا ۶۴ ساله سفیدپوست افریقائی-آمریکائی شاغل و بازنشسته در یک دوره ۶ساله پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که نیازهای فرهنگی - تفریحی برای گذران اوقات فراغت افراد با نزدیک شدن به سن بازنشستگی افزایش می-یابد که این نیازها برای افراد سفید پوست نسبت به افراد سیاه پوست کمتر می باشد.

جیلیوبارگاوا (۲۰۰۴) در مطالعه خود به بررسی اوقات فراغت پرداختند و همچنین عامل موثر بر آن را نیز شناسایی کردند. در این تحقیق به این نتایج دست یافتند که افراد متأهل زمان کمتری را به فعالیتهای اوقات فراغت نسبت به افراد مجرد اختصاص می دهند. بنابراین وضعیت تأهل یکی از عوامل موثر بر اوقات فراغت می باشد. از دیگر یافته های این پژوهش بدین صورت بود که در میان عاملهای اجتماعی - جمعیتی، درآمد، اشتغال، سن، جنس و نژاد، عاملهای مؤثری در استفاده از اوقات فراغت هستند.

واگنر (۲۰۰۶) تحقیقی در ارتباط با اوقات فراغت و متغیرهای مرتبط با آن پرداخت. یکی از اهداف این پژوهش، جنسیت در اوقات فراغت بود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان دهندهی آن است که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی نقش مهمی در اوقات فراغت افراد دارد. یکی دیگر از نتایج مهم در تحقیق این پژوهشگر تفاوت بین دو جنس در انجام اوقات فراغت و تأثیر اجبارهای اجتماعی مؤثر بر روی رفتارهای اجتماعی آنهاست. به عبارتی دیگر زن و مرد بودن در اوقات فراغت رابطه معناداری داشت.

کونگ (۲۰۰۷) تحقیقی انجام داد با عنوان "نشانه های فرهنگی و توسعه شهری در آسیا: ضرورت اقتصادی، هویت ملی و موقعیت شهری جهانی" که در آن به بررسی سرمایه گذاری فرهنگی در سه شهر شانگهای، سنگاپور و هنگ کنگ به عنوان شهرهای جهانی پرداخته است. در این تحقیق، تلاش -

های دولت‌ها در شانگ‌های، سنگاپور و هنگ‌کنگ برای ایجاد نمادهای فرهنگی بعنوان بخشی از استراتژی کمک به شهرهایشان برای بدست آوردن موقعیت شهرجهانی و همچنین تشکیل هویت-های شهری و ملی مشترک مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه نشان داده شد که چنین تلاش-هایی بطور کلی به شیوه‌ای که آنها می‌خواهند تفسیر نمی‌شود، چرا که مردم این شهرها برخی اوقات اعتراض می‌کنند، برخی اوقات هم نسبت به مسائل بی‌توجه هستند. به علاوه، نویسنده استدلال می‌کند که چنین استراتژی‌هایی برای بدست آوردن موقعیت شهری جهانی در مغایرت با پروژه ملی-گرایی قرار می‌گیرد.

پیشینه نظری

نحوه مشارکت زنان در فعالیت‌های فرهنگی مسئله پیچیده‌ای است که عوامل زیادی در آن دخالت دارند. مطالعات تجربی نشان داده که تفاوت‌های جنسیتی در سطح یا درجه موانع فعالیت‌های فرهنگی در اوقات فراغت وجود دارد. زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه با موانع بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های فرهنگی مواجهند. اینکه زنان چه فعالیت‌های را در اوقات فراغت انتخاب می‌کنند نیاز به بررسی همه عواملی دارد که به صورت مثبت (انگیزش، مزایای پیش‌بینی شده) یا منفی (موانع) روی این انتخاب‌ها تاثیر می‌گذارد. در ایران تحقیقات اندکی در این باره صورت گرفته اما در خارج از کشور موضوع موانع مشارکت در اوقات فراغت در دو دهه اخیر به طور وسیعی مورد توجه محققان قرار گرفته است (مشکل‌گشا، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

متینگلی و بیانچی در تحقیق خود نشان دادند که اوقات فراغت در زنان کمتر از مردان است. فراغت ایشان بیشتر با کارهای خانگی آمیخته است، زنان بیش از مردان اوقات فراغت خود را با فرزندانشان سپری می‌کنند و بیشتر در زمان گذران اوقات فراغت، نگران کارهای خانه و کارهای بیرون از خانه هستند (متینگلی و بیانچی به نقل از سفیری، ۱۳۸۹). منطبق بر این نظر گرین نشان داد که زنان در این دسته از مطالعات (اوقات فراغت) نادیده گرفته شده‌اند و بزرگترین نقد بر حوزه جامعه‌شناسی فراغت را همسان‌پنداری زنان و مردان در این حوزه می‌داند و عنوان می‌کند که فقدان اوقات فراغت و دسترسی زنان به تفریح نباید به عنوان مشکل اجتماعی انگاشته شود؛ بلکه این مشکل جنبه‌ای از روابط جنسیتی است که از ویژگی‌های سرمایه‌داری پدرسالارانه می‌باشد و موجب می‌شود اوقات فراغت برای زنان مفهومی مبهم گردد، فراغت ایشان کم و ناچیز باشد، این اوقات بیشتر در خانه سپری شود، در این موضوع مردان از اقتدار مردانه استفاده کرده به راحتی خروج زنان

را منع می‌کنند و اجرای آن نیز ممکن است با تهدید یا اعمال خشونت جسمی همراه باشد. همچنین (بیتمن و واجمن به نقل از سفیری، ۱۳۸۹) نشان دادند که میزان اوقات فراغت زنان به طرز معنی-داری با میزان فراغت مردان متفاوت است و امکان آمیختگی فراغت زنان با دیگر وظایف ایشان بیشتر از مردان است. همچنین آهنگ منقطع و بریده بریده فراغت زنان نسبت به مردان و طولانی‌تر بودن این توقفات، توسط بیتمن و واجمن (۲۰۰۰)، دیم (۱۹۹۶) و یمبوش و تالبوت (۱۹۸۸)، نشان داده شده است. همچنین در مقاله هارگریوز آمده که کنترل تفریح زنان از سوی مردان به طرقی اعمال می‌شود که با اعمال قدرت در وجهه‌ای خصوصی مرتبط است و مردان مقدار زمانی را که همسران و فرزندان دختر آنها به هر فعالیت اجتماعی اختصاص می‌دهند تحت کنترل دارند و گاهی اعمال خشونت شوهران علیه همسران در این خصوص دیده شده است. مضاف بر آن، زنان خود، نیز از تنها بیرون رفتن احساس ناراحتی و ترس دارند، یمبوش و روجک نیز مفاهیمی چون پدرسالاری، روابط جنیستی و طبقه را در تحلیل اوقات فراغت زنان دخیل می‌دانند. زوزانک، سن، درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اشتغال خارج از منزل، تعداد فرزندان و کار خانگی را عوامل موثر در اوقات فراغت زنان می‌داند. پارکر نیز اوقات فراغت را آنتی‌تز کار دستمزدی و به عنوان اوقات آزاد الزام‌های بیرونی می‌داند که باعث می‌شود فرد، زمان مذکور را به اعمال انتخابی بگذراند و تمایزهای تفریحی و چگونگی گذران اوقات فراغت زنان و مردان را ناشی از نقش متمایز آنها می‌داند، همچنین او اذعان می‌دارد که اوقات فراغت زنان نسبت به مردان کمتر بوده و لذا طیف فعالیت‌های تفریحی آنان نیز محدود است، به خصوص زنان کمتر از مردان به ورزش می‌پردازند. بنا بر گفته هی وود، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از زنان متأهل و مادر از داشتن وقت آزاد و پرداختن به فعالیت‌های فراغتی احساس گناه می‌کنند. در نتیجه، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون برای آنها باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اتو کشیدن، شست و شو یا کارهای بافتنی همراه باشد. خود زنان نیز غالباً با قبول این موضوع که مردان "کار واقعی" انجام می‌دهند، باعث گسترش اندیشه پدرسالاری می‌شوند و به مردان حق می‌دهند که اوقات فراغت داشته باشند. همچنین کلارک و کرتیچر دریافتند که زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند، در بیشتر فعالیت‌های اوقات فراغت کمتر شرکت می‌کنند و دامنه‌گزینه‌های اوقات فراغت آنان تنگ‌تر است و بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه سپری می‌کنند. مطالعات یمبوش و تالبوت، هندرسون و دیم نشان می‌دهد که زنان تمایل دارند که اوقات فراغت خود را با خانواده همگام کنند و برایشان مشکل است که وقتی را جدای از افراد خانواده برای خود در نظر بگیرند. همچنین مطالعات زمان تعطیلات که توسط تالبوت، یمبوش و دیم انجام شده نشان داده که فعالیت‌های روزهای تعطیلی

زنان مشابه روزهای کاری ایشان می‌باشد و تمایزی در آنها دیده نمی‌شود. هرینگتون، داوسون و بولا دریافتند که زنان در اوقات فراغت خود عمدتاً مشغول برطرف کردن نیازهای ابتدایی افراد خانواده هستند. در تحقیقاتی آمده است که با اشتغال زنان و افزایش ساعات کاری ایشان، میزان فراغت ایشان کمتر می‌شود و از آنجا که زنان زمان بیشتری صرف امور خانه و افراد خانواده می‌کنند، هر ساعت کار ممکن است مقدار بیشتری از فراغت ایشان را کاهش دهد. و همچنین هاچپایلد و ماچنگ نشان دادند که زنان بیشتر تمایل دارند اوقات خود را در خانه بگذرانند. البته یافته‌های متضاد نیز وجود دارد و برخی معتقدند که بین زنان و مردان شاغل، با اینکه زنان نسبت به مردان اوقات بیشتری برای امور خانه و فرزندان صرف می‌کنند، لیکن به دلیل اشتغال بیشتر مردان در کار، اوقات فراغت ایشان همسان می‌باشد. بیهاوگن و کاتزگرو نشان داده‌اند که زنان سوئدی به دلیل اشتغال به تحصیل در رشته‌هایی که بیشتر با فرهنگ متعالی سروکار دارند، بیش از مردان در فعالیت‌های هنری و فرهنگی مشارکت می‌جویند و این فعالیت را نوعی چالش با قدرت مردان می‌دانند؛ چرا که مشارکت مردان در فرهنگ متعالی همواره سبب کسب مشروعیت برای ایشان بوده و زنان از این طریق با این مشروعیت مقابله می‌کنند. (سفیری، ۱۳۸۹)

همانطور که در بیست سال گذشته، موقعیت زنان در نقش‌های اجتماعی به سرعت تغییر یافته، تحقیقات زیادی هم در زمینه فعالیت‌های فرهنگی آنان در اوقات فراغت و عوامل بازدارنده این فعالیت‌ها صورت گرفته است. علیرضا مالکی (۱۳۸۸) به تاثیر جنسیت در اوقات فراغت پرداخته و نشان داده پسران بیشتر به فراغت جسمانی و دختران بیشتر به فراغت‌های عملی توجه دارند. هم چنین الهام پور (۱۳۸۲) به تفاوت معنی دار جنسیت بر گذران اوقات فراغت اشاره کرده است. رحمانی (۱۳۸۵) نیز تفاوت جنسیتی در ساعات و نوع فراغت بین دختران و پسران را نشان داده است. نابرابری جنسیتی در اوقات فراغت زنان روستایی و تقلیل نقش ایشان به خانه داری و بچه داری توسط سعید معیدفر (۱۳۸۳) به تصویر کشیده شده است. (سفیری، ۱۳۸۹)

رومزا و هوفمان، احسانی، هندرسون و همکارانش در پژوهش‌های خود نشان دادند که کمبود وقت، عدم علاقه، کمبود امکانات و سرمایه، موانعی برای حضور زنان در فعالیت‌های فرهنگی تفریحی و بدنی اند. سرلی و جکسو، احسانی و همکارانش، مهدی پور و عتیقه‌چی در بررسی عوامل بازدارنده مشارکت زنان در فعالیت‌های فرهنگی ورزشی، نشان دادند که زنان برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، با موانع بیشتری نسبت به مردان مواجه اند. آنها علل حضور نیافتن زنان در فعالیت‌های ورزشی را چنین ذکر کردند: نداشتن همراه برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، تعهدات خانوادگی، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود وسایل نقلیه و ناتوانی جسمی. احسانی و

همکارانش، هندرسون و همکارانش، نشان دادند، یکی از عوامل بازدارنده فعالیت های ورزشی، اطلاع رسانی ناکافی به افراد است، زیرا آنها از سرویس های ارائه شده و از وجود خدماتی برای فعالیت های ورزشی ناآگاهند. رومزا و هوفمان، دیم و احسانی نشان دادند که عوامل مهارت و سلامتی، برای شرکت در فعالیت های ورزشی نقش بسزایی دارد، به طوری که ناتوانی آنها در مهارت و سلامتی، مانع شرکت در این فعالیت ها خواهد شد. (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۵-۸۴)

فرضیات تحقیق

- به نظر می رسد بین سن و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین وضعیت تحصیلات و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین وضع اشتغال و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین وضعیت تأهل و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین تعداد فرزندان و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس نوع داده های جمع آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی و از لحاظ نوع برخورد با مساله مورد بررسی و ورود به آن، مطالعه ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش،

پیمایش می باشد. جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از طریق مراجعه‌ی مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارائه پرسشنامه به آنها انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق شامل کلیه بانوان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر شیراز که بر اساس آمار بدست آمده از سرشماری سال ۱۳۹۰ شامل ۵۳۰۰۷۱ نفر می باشد. تعداد افرادی که در این تحقیق مورد پرسش قرار گرفتند، بر اساس جدول لاین برابر با ۶۰۰ نفر می باشد. روش مورد استفاده در این تحقیق جهت دست‌یابی به نمونه‌ی پژوهشی، روش طبقه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد بدین منظور برای بدست آوردن تعداد نمونه مورد نیاز در هر یک از مناطق نه گانه شهرداری، ابتدا با استفاده از آمار جمعیت هر منطقه، سهم تعداد نمونه هر منطقه محاسبه گردید و سپس این تعداد به صورت تصادفی در هر منطقه توزیع گردید. برای تحلیل داده‌ها از قابلیت‌ها و آماره‌های موجود در نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی حاصل از مطالعه حاضر نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۲۹/۵ درصد) در محدوده سنی ۲۹-۲۴ سال قرار دارند و درصد کمی از آنها (۴/۵ درصد) در محدوده سنی ۶۰-۵۴ سال می‌باشند. ۷۱ درصد متاهل و ۲۹ درصد مجرد هستند. بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی با ۲ فرزند می‌باشد که برابر با ۲۲/۸ درصد از مجموع بانوان متاهل می‌باشد و کمترین فراوانی متعلق به بانوانی با ۵ و بیش از ۵ فرزند است که برابر با ۲/۵ درصد هستند. در ارتباط با وضعیت اشتغال، بیشترین فراوانی متعلق به بانوان خانه‌دار با ۵۵ درصد بوده و ۲۴/۸ درصد محصل و مابقی (۲۰/۲ درصد) شاغل هستند. همچنین مشاهده شد که سطح تحصیلات بیشترین پاسخگویان، دیپلم بوده (۴۰ درصد) و کمترین فراوانی نیز مربوط به سطح کارشناسی ارشد و دکترا با ۴/۳ درصد می‌باشد. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی است که به طور متوسط از این اماکن استفاده می‌کنند که ۳۴/۸ درصد می‌باشد. همچنین کمترین فراوانی متعلق به بانوانی است که خیلی زیاد از این اماکن استفاده می‌کنند (۵/۲ درصد). بررسی میانگین رتبه‌ها نشان داد که در بین این مکان‌ها، سینما، کتابخانه، موزه، فرهنگسرا، نگارخانه و آمفی تئاتر به ترتیب اولویت قرار دارند. یافته‌های استنباطی در پژوهش حاضر نیز به شرح زیر است:

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر اساس میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی

درصد	تعداد	شرکت در فعالیت ها
۱۱/۸	۷۱	اصلا
۱۷/۳	۱۰۴	خیلی کم
۱۰/۲	۶۱	کم
۳۴/۸	۲۰۹	متوسط
۲۰/۷	۱۲۴	زیاد
۵/۲	۳۱	خیلی زیاد

در جدول شماره ۱- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی به نمایش گذاشته شده است. بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی است که به طور متوسط از این اماکن استفاده می کنند که این تعداد برابر ۲۰۹ نفر (۳۴/۸ درصد) می باشد. همچنین کمترین فراوانی متعلق به بانوانی است که خیلی زیاد از این اماکن استفاده می کنند که ۳۱ نفر (۵/۲ درصد) از آنها را دربر می گیرد.

جدول شماره ۲- تعیین اولویت موانع استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی بر اساس میانگین

اولویت	میانگین	موانع
دوم	۲/۹	خانوادگی
سوم	۲/۷	عقیدتی
اول	۳/۳	امکاناتی-اقتصادی
سوم	۲/۷	شخصی
دوم	۲/۹	فرهنگی

همانطور که مشاهده می گردد در جدول شماره ۲، موانع امکاناتی- اقتصادی با میانگین ۳/۳ بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است و پس از آن موانع فرهنگی و خانوادگی در اولویت دوم و در یک سطح از اولویت قرار گرفته اند و در آخر، موانع شخصی و عقیدتی، اولویت سوم را به خود اختصاص داده اند.

جدول شماره ۳-آزمون تفاوت موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن بر حسب تحصیلات

ابعاد	تحصیلات	فراوانی	میانگین نمرات	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
بعد خانوادگی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۲۵	۰/۷۰	۱۲/۲۵	۰/۰۰۰
	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۳/۱۴	۰/۶۴		
	دیپلم	۲۴۰	۲/۹۸	۰/۷۳		
	فوق دیپلم	۸۹	۲/۷۶	۰/۵۹		
	کارشناسی	۸۷	۲/۵۹	۰/۶۵		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۲/۴۹	۰/۷۶		
بعد اعتقادی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۰۹	۰/۹۹	۷/۶۱	۰/۰۰۰
	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۲/۷۸	۰/۸۵		
	دیپلم	۲۴۰	۲/۷۳	۰/۹۵		
	فوق دیپلم	۸۹	۲/۶۶	۰/۷۹		
	کارشناسی	۸۷	۲/۲۴	۰/۹۷		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۲/۲۳	۰/۸۴		
بعد اقتصادی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۴۵	۰/۶۱	۱/۳۹	۰/۲۲۷
	راهنمایی و متوسطه	۱۰۸	۳/۳۵	۰/۶۱		
	دیپلم	۲۴۰	۳/۳۵	۰/۶۰		
	فوق دیپلم	۸۹	۳/۲۰	۰/۷۰		
	کارشناسی	۸۷	۳/۲۷	۰/۷۳		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۶	۳/۲۱	۰/۸۸		
بعد شخصی	بیسواد و ابتدایی	۵۰	۳/۰۷	۰/۷۵	۱۳/۷۷	۰/۰۰۰

		۰/۶۰	۲/۹۲	۱۰۸	راهنمایی و متوسطه	
		۰/۷۱	۲/۶۸	۲۴۰	دیپلم	
		۰/۶۹	۲/۶۲	۸۹	فوق دیپلم	
		۰/۶۵	۲/۳۶	۸۷	کارشناسی	
		۰/۵۸	۲/۱۰	۲۶	کارشناسی ارشد و بالاتر	
		۰/۸۰	۳/۰۷	۵۰	بیسواد و ابتدایی	
		۰/۸۲	۳/۱۱	۱۰۸	راهنمایی و متوسطه	
		۰/۸۵	۳/۰۱	۲۴۰	دیپلم	
		۰/۹۷	۲/۹۳	۸۹	فوق دیپلم	
		۰/۹۰	۲/۳۷	۸۷	کارشناسی	
		۰/۶۰	۲/۰۹	۲۶	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۰/۰۰۰	۱۳/۶۰					بعد فرهنگی
سطح معنی داری	F	انحراف استاندارد	میانگین نمرات	فراوانی	تحصیلات	ابعاد
		۰/۴۸	۳/۲۳	۵۰	بیسواد و ابتدایی	
		۰/۴۴	۳/۱۱	۱۰۸	راهنمایی و متوسطه	
		۰/۵۰	۳	۲۴۰	دیپلم	
		۰/۵۱	۲/۸۸	۸۹	فوق دیپلم	
		۰/۵۱	۲/۷۰	۸۷	کارشناسی	
		۰/۵۰	۲/۵۷	۲۶	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۰/۰۰۰	۱۳/۷۵					موانع

میزان میانگین‌ها در جدول بالا حاکی از آن است که میانگین موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی، در بین بانوان بیسواد و سطح ابتدایی بیشتر و در بانوان دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر کمتر می‌باشد. همچنین بر اساس آزمون F با مقادیر ۱۲/۲۵، ۷/۶۱، ۱۳/۷۷،

۱۳/۶۰ و ۱۳/۷۵ و سطوح معنی داری ۰/۰۰۰ بیانگر آن است که با ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معنی-داری بین میزان تحصیلات از نظر ابعاد خانوادگی، اعتقادی، شخصی، فرهنگی و موانع وجود دارد، اما این تفاوت با بعد اقتصادی معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره ۴- آزمون تفاوت موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن بر

حسب وضعیت شغلی

سطح معنی داری	F	انحراف استاندارد	میانگین نمرات	فراوانی	وضعیت شغلی	ابعاد
۰/۰۰۰	۳۶/۵۰	۰/۷۳	۲/۷۴	۱۲۱	شاغل	بعد خانوادگی
		۰/۶۷	۳/۱۳	۳۳۰	خانه دار	
		۰/۶۳	۲/۶۰	۱۴۹	محصل	
۰/۰۰۰	۱۰/۳۵	۰/۹۴	۲/۴۸	۱۲۱	شاغل	بعد اعتقادی
		۰/۹۱	۲/۸۲	۳۳۰	خانه دار	
		۰/۹۲	۲/۴۷	۱۴۹	محصل	
۰/۰۱۷	۴/۱۲	۰/۶۸	۳/۲۶	۱۲۱	شاغل	بعد اقتصادی
		۰/۶۱	۳/۳۹	۳۳۰	خانه دار	
		۰/۷۰	۳/۲۲	۱۴۹	محصل	
۰/۰۰۰	۹/۷۱	۰/۷۲	۲/۵۵	۱۲۱	شاغل	بعد شخصی
		۰/۶۹	۲/۸۰	۳۳۰	خانه دار	
		۰/۷۱	۲/۵۳	۱۴۹	محصل	
۰/۰۰۶	۵/۱۸	۰/۹۹	۲/۷۰	۱۲۱	شاغل	بعد فرهنگی
		۰/۸۱	۲/۹۹	۳۳۰	خانه دار	
		۰/۹۸	۲/۸۲	۱۴۹	محصل	
۰/۰۰۰	۱۸/۷۲	۰/۵۶	۲/۸۴	۱۲۱	شاغل	موانع
		۰/۴۷	۳/۰۸	۳۳۰	خانه دار	
		۰/۵۳	۲/۸۱	۱۴۹	محصل	

میزان میانگین‌ها حاکی از آن است که میانگین موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن، در بین بانوان خانه‌داری بیشتر و در بین بانوان محصل کمتر می‌باشد. همچنین بر اساس آزمون F با مقادیر ۳۶/۵۰، ۱۰/۳۵، ۴/۱۲، ۹/۷۱، ۵/۱۸ و ۱۸/۷۲ و سطوح معنی‌داری ۰/۰۰۰، ۰/۰۱۷ و ۰/۰۰۶ بیانگر آن است که با ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معنی‌داری بین وضعیت شغلی از نظر همه ابعاد موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی وجود دارد.

جدول شماره ۵- آزمون تفاوت موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن بر

حسب وضعیت تاهل پاسخگویان

سطح معنی داری	T	انحراف استاندارد	میانگین نمرات	فراوانی	وضعیت تاهل	ابعاد
۰/۰۰۰	۵/۳۱	۰/۶۹	۳/۰۱	۴۲۶	متاهل	بعد خانوادگی
		۰/۷۰	۲/۶۸	۱۷۴	مجرد	
۰/۰۰۰	۴/۶۳	۰/۹۱	۲/۷۸	۴۲۶	متاهل	بعد اعتقادی
		۰/۹۵	۲/۳۹	۱۷۴	مجرد	
۰/۶۰۴	۰/۵۲	۰/۶۳	۳/۳۳	۴۲۶	متاهل	بعد اقتصادی
		۰/۶۹	۳/۳۰	۱۷۴	مجرد	
۰/۰۰۲	۳/۱۰	۰/۷۱	۲/۷۳	۴۲۶	متاهل	بعد شخصی
		۰/۷۱	۲/۵۳	۱۷۴	مجرد	
۰/۰۴۳	۲/۰۳	۰/۸۵	۲/۹۴	۴۲۶	متاهل	بعد فرهنگی
		۱/۰۰	۲/۷۷	۱۷۴	مجرد	
۰/۰۰۰	۳/۷۵	۰/۵۰	۳/۰۱	۴۲۶	متاهل	موانع
		۰/۵۴	۲/۸۴	۱۷۴	مجرد	

میزان میانگین‌ها حاکی است که میانگین موانع استفاده بانوان و ابعاد آن، در بین بانوان متاهل بیشتر می‌باشد. در نتیجه بانوان متاهل مشکلات بیشتری جهت استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی داشته‌اند.

جدول شماره ۶- ضریب همبستگی بین سن پاسخگویان با موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن

سن	متغیر وابسته	
	متغیر مستقل	
۰/۰۶۸	ضریب همبستگی	بعد خانوادگی
۰/۰۹۵	سطح معناداری	
۰/۰۷۸	ضریب همبستگی	بعد اعتقادی
۰/۰۵۶	سطح معناداری	
۰/۰۲۵	ضریب همبستگی	بعد اقتصادی
۰/۵۳۳	سطح معناداری	
۰/۰۳۹	ضریب همبستگی	بعد شخصی
۰/۳۴۶	سطح معناداری	
-۰/۰۴۹	ضریب همبستگی	بعد فرهنگی
۰/۲۳۳	سطح معناداری	
۰/۰۴۶	ضریب همبستگی	موانع
۰/۲۶۲	سطح معناداری	

بر اساس نتایج، با توجه به سطوح معناداری بدست آمده، رابطه‌ی مشاهده شده بین سن پاسخگویان و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و همه ابعاد آن، معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره ۷- ضریب همبستگی بین تعداد فرزندان با موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و ابعاد آن

تعداد فرزندان	متغیر وابسته	
	متغیر مستقل	
۰/۱۴۳	ضریب همبستگی	بعد خانوادگی
۰/۰۰۳	سطح معناداری	
۰/۰۹۶	ضریب همبستگی	بعد اعتقادی
۰/۰۴۸	سطح معناداری	

۰/۰۵۱	ضریب همبستگی	بعد اقتصادی
۰/۲۹۱	سطح معناداری	
۰/۰۵۳	ضریب همبستگی	بعد شخصی
۰/۲۷۵	سطح معناداری	
-۰/۰۰۹	ضریب همبستگی	بعد فرهنگی
۰/۸۵۵	سطح معناداری	
۰/۰۸۹	ضریب همبستگی	موانع
۰/۰۶۶	سطح معناداری	

بر اساس نتایج، همبستگی ضعیفی بین تعداد فرزندان بانوان با این موانع و ابعاد آن وجود دارد. با توجه به سطح معناداری ۰/۲۹۱، ۰/۲۷۵، ۰/۸۵۵، ۰/۰۶۶، رابطه‌ی مشاهده شده بین تعداد فرزندان و ابعاد اقتصادی، شخصی، فرهنگی و موانع معنادار نمی‌باشد. بین تعداد فرزندان و بعد خانوادگی موانع، در سطح ۹۹ درصد و بین بعد اعتقادی و تعداد فرزندان در سطح ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در جامعه ما زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و این در صورتی است که نگاه و برخورد زنان در ایران به موضوع سرگرمی در اوقات فراغشان متفاوت است. برخی از زنان سرگرمی و اوقات فراغت را نمی‌شناسند و حتی درباره آن فکر هم نمی‌کنند و غالب آنها علت عدم توجه خود به این موضوع را بیشتر، مشغله‌ها و گرفتاریهای فراوان زندگی و مشکلات ناشی از آن بیان می‌کنند. این در حالی است که مهمترین فوائد داشتن اوقات فراغت و پر کردن آن با فعالیتهای آموزشی فرهنگی، تفریحی و ورزشی تأمین سلامت جسمی و روانی، سالم سازی، ارتقاء فرهنگ جامعه و پیشگیری از مفاسد و آسیبهای اجتماعیست. اوقات فراغت و پر کردن آن با فعالیتهای مفید و برنامه ریزی شده موجب می‌شود حس اعتماد به نفس افراد تقویت شده و بهتر از عهده مسئولیتهای فردی و اجتماعی خود برآیند.

این تحقیق نیز با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت توجه بیشتر به آن جهت بررسی میزان استفاده زنان شهر شیراز از امکانات آموزشی فرهنگی به شیوه پیمایشی انجام گرفته است. بررسی ویژگی‌های کلی افراد نمونه مورد پژوهش، نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۲۹/۵ درصد) در محدوده سنی ۲۹-۲۴ سال قرار دارند و درصد کمی از آنها (۴/۵ درصد) در محدوده سنی ۶۰-۵۴ سال می‌باشند. ۷۱ درصد متاهل و ۲۹ درصد مجرد هستند. بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی با ۲ فرزند می‌باشد که برابر با ۲۲/۸ درصد از مجموع بانوان متاهل می‌باشد و کمترین فراوانی متعلق به بانوانی با ۵ و بیش از ۵ فرزند است که برابر با ۲/۵ درصد هستند. در ارتباط با وضعیت اشتغال، بیشترین فراوانی متعلق به بانوان خانه دار با ۵۵ درصد بوده و ۲۴/۸ درصد محصل و مابقی (۲۰/۲ درصد) شاغل هستند. همچنین مشاهده شد که سطح تحصیلات بیشترین پاسخگویان، دیپلم بوده (۴۰ درصد) و کمترین فراوانی نیز مربوط به سطح کارشناسی ارشد و دکترا با ۴/۳ درصد می‌باشد. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به بانوانی است که به طور متوسط از این اماکن استفاده می‌کنند (۳۴/۸ درصد). همچنین کمترین فراوانی متعلق به بانوانی است که خیلی زیاد از این اماکن استفاده می‌کنند (۵/۲ درصد). در ادامه، میزان استفاده بر اساس میانگین رتبه مرتب شدند. بررسی میانگین رتبه‌ها نشان داد که در بین این مکان‌ها، سینما، کتابخانه، موزه، فرهنگسرا، نگارخانه و آمفی تئاتر به ترتیب اولویت قرار دارند. در ارتباط با موانع استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی (در ابعاد امکاناتی- اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، شخصی و عقیدتی) مشاهده شد که موانع امکاناتی- اقتصادی با میانگین ۳/۳ بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است و پس از آن موانع فرهنگی و خانوادگی در اولویت دوم و در یک سطح از اولویت قرار گرفته‌اند و در آخر، موانع شخصی و عقیدتی، اولویت سوم را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی، در بین بانوان بیسواد و سطح ابتدایی بیشتر و در بانوان دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر کمتر بوده و تفاوت معنی‌داری بین میزان تحصیلات از نظر ابعاد خانوادگی، اعتقادی، شخصی، فرهنگی و موانع وجود دارد، اما این تفاوت با بعد اقتصادی معنادار نمی‌باشد. میزان میانگین‌ها حاکی از آن است که میانگین موانع در بین بانوان خانه دار بیشتر و در بین بانوان محصل کمتر می‌باشد. همچنین تفاوت معنی‌داری بین وضعیت شغلی از نظر همه ابعاد موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی وجود دارد. دیگر نتایج حاکی است که میانگین موانع استفاده بانوان و ابعاد آن، در بین بانوان متاهل بیشتر بوده و در نتیجه بانوان متاهل مشکلات بیشتری جهت استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی داشته‌اند. با توجه به سطوح معناداری بدست آمده، رابطه‌ی

مشاهده شده بین سن پاسخگویان و موانع بانوان در استفاده از اماکن آموزشی فرهنگی و همه ابعاد آن، معنادار نمی‌باشد. بر اساس نتایج، همبستگی ضعیفی بین تعداد فرزندان بانوان با این موانع و ابعاد آن وجود دارد. رابطه‌ی مشاهده شده بین تعداد فرزندان و ابعاد اقتصادی، شخصی، فرهنگی و موانع معنادار نمی‌باشد. بین تعداد فرزندان و بعد خانوادگی موانع، در سطح ۹۹ درصد و بین بعد اعتقادی و تعداد فرزندان در سطح ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر و عنایت به نقش زنان در جامعه و اینکه پرورش همه جانبه زنان بسیار ضروری و دارای پیامدهای مثبت هم برای قشر زنان و هم تمامی افراد و به عبارتی کل جامعه است به نظر می‌رسد که توجه و تمرکز بیش از پیش مسئولین به این امر ضروری بوده و همچنین فرهنگ سازی در ارتباط با اوقات فراغت زنان و پر کردن آن با استفاده از امکانات شهری آموزشی فرهنگی از ملزومات پیشرفت و بهبود در این زمینه است. ایجاد و توسعه کتابخانه سیار، اتاق مشاوره سیار، آموزش هنری و فرهنگی سیار و یا حتی باشگاه سیار در پارک‌های مختلف در زمان‌های متعدد و معرفی اماکن عمومی آموزشی فرهنگی و رسیدگی به نظرات شهروندان می‌تواند در این حوزه مفید واقع شود و همچنین استفاده از تجربیات و اقداماتی که در سایر شهرها صورت گرفته است، توصیه می‌شود. در نهایت انجام تحقیقات بیشتر و مطالعه دیگر ابعاد این موضوع و بررسی موانع در این مسیر، جهت کاربردی کردن راهکارها و اقدام جدی جهت رفع موانع پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی. رازقی، نادر و مسلمی پطرودی، رقیه (۱۳۹۰) اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: (مطالعه‌ی موردی افراد ۶۴-۱۵ ساله‌ی شهرستان جویبار). مجله جامعه‌شناسی کاربردی. دوره ۲۲، شماره ۴.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۲) سنجش نیازهای فرهنگی شهروندان ساکن در اصفهان، سازمان فرهنگی- هنری شهرداری اصفهان.
- پورموسوی، موسی، (۱۳۹۰)، مشارکت شهروندان و برنامه‌های اوقات فراغت، تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ.
- حسینی، اسدالله و همکاران (۱۳۸۷). توصیف و مقایسه مدیریت ایمنی در کلاس‌های تربیت بدنی مدارس دوره راهنمایی شهر اهواز. نشریه پژوهش‌نامه علوم ورزشی، شماره ۸، ۲۸-۱۱.
- سعیدنیا، احمد؛ (۱۳۷۹)؛ فضای سبز شهری؛ کتاب سبز شهرداریها؛ انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۵) " شهرداریها و اوقات فراغت شهروندان، تهران"، گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری، وزارت کشور
- سفیری، خدیجه؛ مدیری، فاطمه؛ (۱۳۸۹)، تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، نشریه علوم اجتماعی "تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی"، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۵۹/۴، صص ۱۴۷-۱۷۰
- فکوهی، ناصر و انصاری، فرشته (۱۳۸۲). اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی. نامه انسان‌شناسی. انجمن انسان‌شناسی ایران.
- مرادی، علیرضا؛ گلستانی، هاشم؛ اسماعیلی، رضا، (۱۳۸۹). نیازسنجی توسعه فضای فرهنگی شهروندان نجف‌آباد، نشریه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۸۹، صص ۷۸-۵۳.

- مشکل گشا، الهام؛ نادریان، مسعود؛ ذوالاکتاف، وحید، (۱۳۸۸)، موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه، نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال هفتم، جلد اول، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۴۵-۱۵۴
- میرغفوری، حبیب اله؛ صیادی تورانلو، حسین؛ میرفخرالدینی، حیدر؛ (۱۳۸۸)، بررسی و تحلیل مسائل و مشکلات موثر بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی، نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۰

- Cutler, Blayne. (1990).Where Does The Free Time Go? American Demographics P36-36.
- G. Lee, Yoon and Bhargava, Vibha(2004).” Leisure Time: Do Married and SingleIndividuals Spend It Differently?” Family andConsumer Sciences Research Journal,Vol.32:254-174
- Kong, L. (2007). “Cultural Icons and Urban Development in Asia: Economic Imperative, National Identity, and Global City Status,” Political Geography, Vol. 26, pp 383-404. www.sciencedirect.com.
- Washburn, R. A,Kline. G. Lack and D. T wheeler, (1992), leisure time physical activity, New EnglandResearch Institute.
- Wegner, Lisa &Alen J. Flisher&MartieMuller & Carl, Lombard (2006), ” Leisure Boredom and Substance Use among HighSchool Students in South Africa”, Journal of Leisure Research, vol.38,No.2,P.249-266.